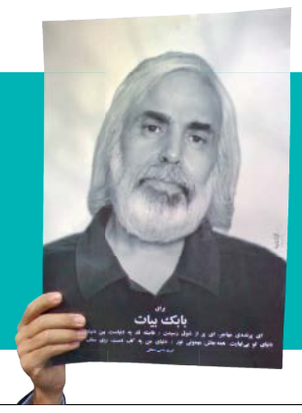

درباره «شعله‌ور» آخرین ساخته حمید نعمت‌ا...
و اعتراض بخشی از مردم سیستان و بلوچستان به این فیلم

# سینمای جغرافیاکُش

**اغلب فیلم‌های سینمایی ایرانی کمکی به گردشگری نمی‌کنند و نمی‌توانند تصویر زیبایی‌های ایران را منعکس کنند**

امین حیایی در نمایی از فیلم «شعله‌ور»

زینب مرتضایی‌فرد
فرهنگ و هنر

سراسر زیبایی است. زیبایی بکر و کشف نشده‌ای که با یك جست و جوی اینترنتی کوچك هم می‌توانید درکش کنید. این همه زیبایی خودش و صفای مردمانش اما کمتر جایی در ذهن‌های ما دارد و همین که نام سیستان و بلوچستان به میان بیاید، تصاویری از اعتیاد، ناامنی و دیگر اتفاقات تلخ و نامساعد جلوی چشم هایمان می‌آید. تصاویری که بیش از هر چیز زاییده اخبار منتشر شده در رسانه‌ها و همچنین اتفاقات به نمایش گذاشته شده در فیلم‌های سینمایی است.

تازه‌ترین فیلمی هم که در این استان ساخته شد و حواشی داشت، «شعله‌ور» بود؛ فیلمی که حمید نعمت‌ا... کارگردان آن بود و هرگز در این استان فرصت اکران پیدا نکرد. روز گذشته محمد یاسین جلال زهی شاعر این استان هم در گفت‌وگویی که با خبرگزاری ایبنا داشته تاکید کرده متاسفانه تصویر درستی از سیستان و بلوچستان و مردمانش در این فیلم ارائه نشده است.

ماجرای «شعله‌ور» چیست و دلیل ناراحتی‌های پیش آمده را در کجا باید جست‌وجو کرد؟ داستان فیلم در زابل می‌گذرد؛ ویرانه‌ای که محل تجمع و زندگی معتادان است، این انتخاب نعمت‌ا... هم اهالی استان را ناراحت کرده است، هم اهالی فرهنگ و هنر و هم مسؤولان را. در نتیجه هم همان‌طور که گفتیم فیلمی که در سیستان و بلوچستان ساخته شده، در این استان امکان اکران نیافته است.

## تمدن ۷ هزار ساله زیر تیغ سینما

این نخستین بار نیست که با چنین حواشی روبه‌رو می‌شویم. بارها برای فیلم‌های سینمایی و سریال‌های مختلف، مشابه این اتفاقات و اعتراضات رخ داده است. کار مثل همین ماجرای «شعله‌ور» به نمایندگان مجلس هم رسیده و گاهی جلوی پخش یا ادامه ساخت یك اثر تصویری را هم گرفته است. بارها هم منتقدان و دست‌اندرکاران اعلام کرده‌اند اگر قرار باشد پرداختن به یك خطه، قوم یا صنف با واکنش روبه‌رو شود، نمی‌توان دیگر با فراغ بال و آسوده خاطر سراغ سوژه‌های مختلف رفت. گفته‌اند باید همگی نگاهمان را گسترده‌تر کنیم و درگیر این نگاه‌ها نشویم و واکنش‌های ناگهانی نشان ندهیم. چراکه هر قومیت، صنف و ... می‌تواند دچار اشتباه و خطا شود.

ماجرای سیستان اما چیست؟ آیا واکنش‌های پیش آمده که هنوز هم ادامه دارد، از همین دست واکنش‌هایی است که پیش از این بارها شاهدش بوده‌ایم؟ برای پاسخ روشن به این سوال سراغ حسین مسگرانی، مدیر کل ارشاد استان سیستان و بلوچستان رفتیم. او حواشی پیش آمده را ناشی از شناخت کم یا نادرست کارگردان‌ها از این استان دانسته و گفت: فیلم در مکانی می‌گذرد که محل تجمع معتادان در شهر زابل است. این مکان به این شکل وجود ندارد؛ هر چند فیلم مستند نیست و توقع نمی‌رود به واقعیت پایبند باشد، اما با توجه به تصاویری که پیش از این هم از استان در رسانه‌ها و فیلم‌ها ارائه شده، ناراحت‌کننده است.

او ادامه می‌دهد: مردم تحت تاثیر رسانه‌ها و فیلم‌ها تصور نادرستی از سیستان و بلوچستان دارند. فکر می‌کنند این استان پر است از ناامنی و اعتیاد، این تصویری است که از سینمای دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در ذهن مردم مانده و هنوز کسی این تصویر را عوض نکرده است.

مسگرانی با تاکید بر هنرمندی کارگردان فیلم شعله ور بیان کرد: آقای نعمت‌ا... و همه دست اندرکاران فیلم نگاه و نیت مثبتی داشتند و در فیلم هم کاملا هنرمندانه کار کرده‌اند، اما متاسفانه به دلیل این‌که شناخت کافی از استان نداشته‌اند، فضاهایی ایجاد شده که اکران آن در استان می‌توانست مردم را ناراحت و حساسیت‌های فراوانی ایجاد کند.

مدیرکل ارشاد استان سیستان و بلوچستان گفت: حضور فیلمسازان در استان اتفاق خوبی است که ما از آن استقبال هم می‌کنیم، اما متاسفانه بیشتر کارگردان‌ها مشاوری خوب و آشنا به فرهنگ، آیین‌ها و اقوام ایرانی ندارند و همین موجب می‌شود اتفاقاتی رخ دهد که هم مردم یك استان را ناراحت و هم تصویری نادرست به دیگر مردم ایران ارائه کند. نتیجه‌اش هم این است که استان ما با ۷۰۰۰ سال تمدن در سینما و رسانه‌ها با اسلحه و اعتیاد معرفی می‌شود و فرهنگ و تمدنش مکتوم و ناگفته می‌ماند.

## ما داعشی نیستیم!

نوید برهان‌زهی، فعال گردشگری استان است. او طی دو سال گذشته در فضای مجازی تلاش کرده تصویری متفاوت از استان نشان دهد و مردم را با زیبایی‌های سیستان و بلوچستان آشنا کند.

او درباره تصورات نادرستی که نسبت به استان محل زندگی‌اش وجود دارد، به جام جم گفت: نگاهی که اغلب مردم ایران به استان ما دارند، نگاهی است که در فیلم‌ها با آن مواجه شده‌اند و ما را مردمی خشن، قاچاقچی و اسلحه به دست می‌بینند. وقتی به شهرهای بزرگ می‌روم، به شوخی به ما می‌گویند شما سلاح ندارید؟ فلان چیز همراهتان نیست؟! می‌پرسم چرا چنین فکری می‌کنید. می‌گویند در فیلم‌ها دیده‌اند. وقتی جاهای قشنگ استانمان را نشان‌شان می‌دهم، می‌گویند ما چرا تا به حال اینجاها را ندیده‌ایم. سینما و تلویزیون باید اینها را به مردم به نشان دهند و وقتی چنین عمل نکنند، به ما جفا کرده‌اند.

او ادامه داد: می‌توانم بگویم مردم با یك تصویر واحد به اینجا می‌آیند؛ قاچاق و اسلحه و با یك تصویر واحد هم از اینجا می‌روند؛ مهربانی و زیبایی و امنیت. این در حالی است که در فیلم‌های زیادی یك تروریست را با لباس بلوچی می‌بینیم. چرا باید چنین تصاویری را ببینیم. این سوال همه ماست، همه مردم استان.

این فعال گردشگری یك خاطره تلخ را بیان کرد و گفت: دوستانم به یك شهر شمالی می‌روند و وارد رستوران می‌شوند. صاحب رستوران با پلیس تماس گرفته و گفته بیایید داعشی‌ها آمده‌اند! این تصور بسیار آزاردهنده و تلخ است. از سوی دیگر رسانه‌ها هم برخورد مناسبی ندارند.

او افزود: کافی است یك تیر در استان ما شلیك شود، همه جا بلوا می‌شود. اما همین چند روز پیش یك دانشجوی بلوچ در تهران کشته شد و رسانه‌ها حتی خبر این اتفاق را مطرح نکردند. حالا اگر در

زاهدان این اتفاق افتاده بود، چنین برخوردی می‌شد؟

برهان‌زهی بیان کرد: جا دارد از صداوسیما تشکر کنم. طی یکی دو سال اخیر نگاه تلویزیون عوض شده و برنامه‌های زیادی درباره سیستان و بلوچستان پخش کرده است، اما سینما هنوز با همان رویه قبل پیش می‌رود و استان ما را ناامن جلوه می‌دهد. یکی سوال ما را جواب دهد؛ چرا ما هم باید از سوی تروریست‌هایی مثل عبدالمالك ریگی ضربه بخوریم و هم از سمت سینما؟

او در پایان تصریح کرد: خیلی تلخ است که مردم باور کرده‌اند اکثریت ما قاچاقچی و خشن هستیم. سینما این تصور را ایجاد کرده و خودش هم می‌تواند تغییرش دهد.

## علیه جغرافیا

ماجرا ابعادی گسترده‌تر از سیستان دارد. سینمای ما هنور با جغرافیایمان دوست نشده و خیلی معدودند فیلم‌هایی که تصویری جذاب از زیبایی‌های سرزمین بزرگ و زیبایی به نام ایران نشان می‌دهند.

اگر فهرست بلند بالای فیلم‌های سینمایی یکی دو دهه اخیر را مرور کنیم، کمتر فیلمی وجود دارد که در آن مکان انتخاب شده به شکلی معرفی شود که مردم را به سمت خود جلب کند. آن وقت سریال‌های کشور همسایه طوری از این ویژگی‌ها استفاده می‌کنند که سالانه ایرانیان زیادی راهی مکان‌های فیلمبرداری فلان سریال آبکی می‌شوند و از نزدیك به زیبایی‌هایش چشم می‌دوزند.

یادداشت:
محمدصادق علیزاده
روزنامه‌نگار

## تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم

رسانه و بازنمایی آن همیشه از موضوعات محل نزاع و بحث بوده است. این‌که یك تولید رسانه‌ای وقتی دست روی موضوعی می‌گذارد، ورای قصه و موضوع اصلی که مشغول روایت آن است، بستری را هم از بافت و زمینه موضوع ارائه می‌کند که آن بستر می‌تواند در ذهن مخاطب یك حس و حال خوب یا بد را بر جای بگذارد.

این بستر می‌تواند بستر اجتماعی، فرهنگی یا حتی سیاسی باشد. اختلافاتی که بین اهالی و فرهنگیان استان سیستان و بلوچستان از یك‌سو و فیلم سینمایی «شعله‌ور» از سوی دیگر افتاده هم از این قاعده استثنا نیست. «شعله‌ور» در مقام یك اثر رسانه‌ای قصه‌ای را روایت می‌کند که در شخصیت اصلی آن در سیستان و بلوچستان، پیرنگ‌های خود را دنبال می‌کنند.

شخصیت اول قصه با بازی امین حیایی برای فرار از یکی از عادات ناپسند خود به سیستان و بلوچستان آمده و در نهایت خودش در بعضی عادات ناپسند ذهنی و اخلاقی‌اش غرق می‌شود. بستر اجتماعی و فرهنگی اثر در سیستان و بلوچستان روایت می‌شود. پس بافت فرهنگی و اجتماعی آن در ناخودآگاه ذهن هر مخاطبی بی ارتباط با آن جغرافیا و فرهنگ نیست. اینجاست که فراروایت فیلم از آن منطقه و آن فرهنگ ناخودآگاه، یك تصویر با مختصاتی خاص از آن دیار در ذهن مخاطب ترسیم می‌کند که تصویر مطلوبی برای کسی ندارد که در آن فرهنگ می‌زید. پر بیراه هم نخواهد بود که بعضی از ساکنان آن دیار زبان به گلایه از این اثر بگشایند. در ادامه نخبگان فرهنگی و اجتماعی استان هم منتقد تصویری شوند که «شعله‌ور» از دیار و بوم آنها بر پرده سینما به تصویر می‌کشد.

قضیه آنقدر جدی می‌شود که مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هم دست به ممیزی بزند و جلوی اکران این فیلم را در سینماهای سیستان و بلوچستان بگیرد. نوعی ممیزی که اتفاقا در صلاح فرهنگ و جامعه آن بوم است. سال‌هاست اهالی جنوب کشور از تصویری که از آنها در رسانه‌ها بازنمایی می‌شود انتقاد دارند. سال‌هاست گلایه دارند از قابی که اهالی فرهنگ و رسانه از آن به استان‌شان می‌نگرند. کاش عوامل سازنده، ملاحظات این چنینی را در ساخت «شعله‌ور» مراعات می‌کردند تا کار به اینجا نرسد که یك اثر فرهنگی، موجبات دلخوری یك جماعت فرهنگی را فراهم سازد.

امروز چی داریم؟

## سفر به دیار رستم

امروز **سیستان و بلوچستان** را به صفحات فرهنگی آورده‌ایم. قضیه از مصاحبه یکی از شعرا و فرهنگیان استان سیستان و بلوچستان با یکی از خبرگزاری‌های داخلی شروع شد. استاد جلال زهی لابه‌لای حرف‌ها و درددل‌هایش از این گلایه کرده بود که بعضی از آثار سینمایی و فرهنگی نگاه درستی به سیستان و بلوچستان ندارند و تصویر نادرستی از مردم ارائه می‌دهند. در ادامه هم برای نمونه از فیلم «شعله‌ور» حمید نعمت‌ا... یاد کرده که در استان واکنش‌های منفی ایجاد کرده بود. همین سرنخ کافی بود تا زینب مرتضایی‌فرد، خبرنگار پرتلاش فرهنگی برود سر وقت این‌که ببیند این فیلم که در جشنواره سال گذشته و سال قبل هم حواشی و سر و صدای زیادی به پا کرده بود در استان با چه واکنش‌هایی روبه‌رو شده و چه مواضعی را برانگیخته است. برای اطلاع از این قضیه هم چه کسی بهتر از مدیرکل ارشاد استان و بعضی از فعالان فرهنگی استان. گزارش جذاب مرتضایی‌فرد را در همین صفحه بخوانید.

صفحه بعد ما هم صابرخان محمدی از خبرنگارهای خوب و دست‌به قلم گروه هم به بهانه سالمرگ **مرحوم بابك بیات**، یکسری جزئیات و واقعیات جذاب و بانمك را از زندگی حرفه‌ای و هنری بیات بیرون کشیده و در صفحه آورده. حالا درست است که نام مرحوم بیات با آهنگسازی سند خورده، اما خوانندگان زیادی هم توفیق همراهی و شاگردی او را داشته‌اند. فقط یك قلم محمدخان اصفهانی که ترانه‌هایش بارها از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی پخش شده. این را هم اگر نگوییم می‌میریم. با توجه به این‌که دعوای زرگری فقیر و غنی بین بچه‌های گروه خیلی داغ است بابك خان هم افتخار می‌کرد که از طبقات پایین جامعه و محلات جنوب شهر رشد کرده و بالا آمده. حالا ما دیگر زیادی بازار گرمی نکنیم و گزارش محمدی را در صفحه۱۰ درباره آن مرحوم بخوانید.

سوای بحث‌های بالا، سینما این روزها اوضاع جالبی را سپری نمی‌کند. مدیر سازمان که به دلیل بازنشستگی عطای خدمت را به لقایش بخشید و از جایگاه خودش کناره‌گیری کرد. این طرف فصل فعلی اکران هم به دلیل قرار گرفتن قبل از ایام جشنواره، اصولا از **فصل‌های مُرده اکران** به شمار می‌آید. روی همین حساب فیلم‌ها بی‌سر و صدا روی پرده می‌آیند و می‌روند و رسانه‌ها هم سراغی از آنها نمی‌گیرند. حالا در اوضاع و احوال فعلی علی‌آقای رستگار، خبرنگار عشق سینمای گروه رفته سراغ جدول اکران تا ببیند فیلم‌ها با خودشان و مخاطبان چند چند هستند و چقدر فروش داشته‌اند. این گزارش را هم در صفحه ۱۱ بخوانید.

استاد کیکاووس زیاری هم به دلیل این‌که نصف صفحه ۱۲ آگهی خورده حال و روز خوشی ندارد با این حال یك گزارش **انیمیشنی** گذاشته در صفحه تا حداقل این‌که غیبت چند روز اخیرش را جبران کرده باشد.